

عنوان مقاله:

مطالعه تطبیقی رویکرد کهن الگویی سه اسطوره رویین تن (اسفندیار، آشیل و زیگفرید)

محل انتشار:

فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، دوره 13، شماره 47 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 32

نویسندگان:

علی صالحی - دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

ابوالقاسم دادور - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا

خلاصه مقاله:

اندیشه رویین تنی، که ریشه ای کهن داشته و بیانگر آرزوی دیرینه بشر برای دستیابی به آسیب ناپذیری و بی مرگی است، به انحاء گوناگون در میان اسطوره های ملل مختلف نمود یافته است. سه اسطوره رویین تنی، یعنی آشیل، اسفندیار و زیگفرید، در مقایسه با سایر رویین تنان از تواتر بیشتر و جامع تری برخوردارند و رویین تنی به عنوان یک انگاره کهن الگویی در روایت هر سه اسطوره قابل بحث و مطالعه است. از آنجا که بسیاری از پژوهشگران شباهت های میان این سه اسطوره را ناشی از نظریه کهن الگویی یونگ دانسته اند، تلاش شده است در این پژوهش میزان صحت و سقم موضوع بررسی شود. روش تحقیق در این پژوهش، اسنادی و کتابخانه ای است. این مطالعه، با هدف شناسایی ریشه های مشترک این اسطوره های رویین تن، از منظر نظریه کهن الگوها به بررسی نقاط اشتراک و افتراق میان آنها و میزان اثربخشی این سه اسطوره از یکدیگر پرداخته است و با رویکرد کهن الگویی در مطالعه تطبیقی میان اسفندیار، آشیل و زیگفرید، به این سوال پاسخ می دهد که چه ریشه های مشترک و یا متمایزی را می توان در مطالعه این سه اسطوره رویین تن یافت و تا چه میزان شباهت های موجود میان این سه اسطوره را می توان با نظریه کهن الگویی توجیه کرد. از مهم ترین نتایج این پژوهش، تقویت نظریه تاثیرپذیری فردوسی از هومر در خلق اسطوره اسفندیار است.

کلمات کلیدی:

اسطوره، کهن الگو، اسفندیار، آشیل، زیگفرید، رویین تن

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/856527>

